

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

((خلاصه درس چهارم فلسفه - آغاز تاریخی فلسفه))

((علی طلایی))

نکته ۱: برای دانش فلسفه (در سایر رشته ها نیز اینگونه است) نمی توان آغاز زمانی تعیین کرد . و همچنین نمی توان سرزمین محل پیدایش آن را مشخص کرد .

نکته ۲:

الف) هر کجا که تمدنی شکل گرفته است ، درباره اساسی ترین مسئله های هستی در زندگی بشر اندیشه ای (تفکر) وجود داشته است .

ب) تمدن های قدیمی مقدمه و پلکان تمدن های جدیدتر است .

نکته ۳:

۱- ایران باستان از سرزمین های فلسفه خیز و دارای فیلسوفان خدایپرست بود .

سهروردی فیلسوف بزرگ (قرن ششم) دوره اسلامی کیانیان (دومین پادشاهی ایران باستان، بعد از پیشوایان) ، افراد وارسته ای بودند که : (۱- حکمت و فلسفه داشتند - ۲- دارای سلوک معنوی بودند) .

۲- تمدن چین باستان : لائوتسه .

۳- تمدن هند باستان : اوپانیشادها (شامل متون متعدد هندو) .

۴- تمدن بین النهرین (زرتشت ها) : گاتاها : سروده های زرتشت + اوستا .

۵- مصر .

* بنابراین ارشادات تاریخی این پنج تمدن پیش از تمدن یونان شکل گرفته اند و کم بیش حکمت فلسفه رواج داشته و آثاری بیانگر تفکر آنان در مسائل بنیادین هستی بر جای مانده است .

*** فلسفه یونان :**

نخستین مجموعه ها یا قطعه های فلسفی نگاشته شده دارای جنبه فلسفی یونان باستان حدوداً ۶ قرن پیش از میلاد مسیح : (۱- پایه گذاری مباحث فلسفی انجام شد - ۲- وجود اولین فیلسوفان) ، **واقع در غرب آسیای صغیر** = ترکیه کنونی = ایونیا .

+ دغدغه فیلسوفان آغازین : دگرگونی های پیوسته در جهان طبیعت و تلاش برای تبیین عقلانی آن و علاوه بر تفکر فلسفی ، آشنا بودند به مجموعه علوم زمانی خود تا زمان سقراط به کسی فیلسوف گفته نمی شد .

مهم ترین اسامی فیلسوفان نخستین :

۱ - تالس .

۲ - فیثاغورس .

۳ - هراکلیتوس .

۴ - پارمیندس .

۱ - تالس : تالس نخستین اندیشمند یونانی بود که اندیشه فلسفی مشخصی داشت ، وی در قرن ششم پیش از میلاد می زیست . تاریخ تولد و مرگ او مشخص نیست . از تالس هیچ نوشته ای باقی نمانده است و از روی نوشته های فیلسوفان بعدی برخی از افکار او را به دست آورده اند . تالس پیش بینی کرد که در سال ۵۸۵ پیش از میلاد خورشید گرفتگی رخ میدهد و این خورشید گرفتگی در همان زمان رخ داد . تالس عقیده داشت که آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست و همه چیز ، در نهایت، از آب ساخته شده است ، آب در درجات بالا بخار میشود و در درجات بسیار پایین منجمد می شود و وقتی باران می آید ، گیاهان از زمین می رویند ، اینها هم حتما شکل دیگری از آب اند .

۲- فیثاغورس : پایه گذار ریاضی و هندسه است . یکی از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب میشود . فیثاغورس ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد . ارسطو درباره فیثاغورس می گوید : خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند ، از نظر آنان : (۱- اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است - ۲- اعداد و اصول اعداد ، همان عناصر اولی همه موجودات هستند . او برای اولین بار الفاظ : ((فلسفه)) ، ((تئوری)) ، ((کیهان)) را به کار برد .

۳ - هراکلیتوس : شهرت او بخاطر :

۱- نظریه وحدت اضداد : اضداد باهم قابل جمع هستند و این اضداد است که جهان را می سازد و گریزی هم از این تضاد نیست بلکه باعث تعادل و نظم در جهان و طبیعت میشود . مانند : دامنه کوه ، هم سربالایی است و هم سرپایینی
۲- نظریه تغییر و تحول دائمی جهان : همه چیز در سیلان و حرکت است ، هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد و جهان جمع هست و نیست است و تمام کائنات تحت این فرمان و قانون دگرگونی است . ((نمیتوانیم در یک رودخانه دو بار شنا کنیم)) .

۴ - پارمیندس :

بنا به نقل افلاطون : سقراط در جوانی با وی ملاقات کرده است .

پارمیندس بیان فلسفه را به صورت شعر عرضه کرده است .

توجه دقیق پارمیندس به دو مفهوم **بودن** (وجود) و **شدن** (حرکت) که از مفاهیم اصلی فلسفه است .

پارمیندس معتقد بود که هستی یک امر ثابت است (قابل درک با عقل) .

(نیستی ، هست) جمله تناقض آمیز است .

با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم که از طریق حواس نمی توانیم به این واقعیت برسیم .

*** سوفیست :** سرایت دیدگاه فیلسوفان ذکر شده از ایونیا به آتن باعث تبدیل آتن به مرکز اختلافات فکری شد ، غالب شدن تشویش و نگرانی برای مردم و گسترش بی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه و ظهور دانشمندانی منجر گردید به منادی بی اعتباری علم و اندیشه شدند . خود را سوفیست (دانشمند) نامیدند ، عدم دستیابی به تفسیر درست از هستی به خاطر بیهوده دانستن این نظریات و جایگزینی فن سخنوری به جای آموزش علوم و انکار اصل حقیقت و واقعیت .

هدفشان فقط پیروزی بر رقیب بود ، بجای رسیدن به حقیقت .

با تشکر از همراهی شما دوستان عزیز

((علی طلایی))